

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۳، شماره پیاپی ۴۸، تابستان ۱۴۰۰، صص ۴۰۹ تا ۴۳۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۶

(مقاله پژوهشی)

بازتاب مسائل اجتماعی در سفرنامه‌های دوره قاجار

صدیقه پورخوش سعادت^۱، دکتر علیمحمد مؤذنی^۲،

دکتر ثوراله نوروزی داودخانی^۳



چکیده

برای شناخت جنبه‌های گوناگون تاریخ و فرهنگ مردم یک منطقه، سفرنامه‌ها ابزاری راهگشا است که اطلاعات درخوری ارائه می‌دهند. در این پژوهش چهار سفرنامه «میرزا فتح‌خان، حاج‌سیاح، حاجی‌پیرزاده و اعتمادالسلطنه» از دوران قاجار انتخاب شده‌اند. این پژوهش با هدف بررسی مسائل اجتماعی و زیرساخت‌های اساسی آن در ساختار یک جامعه با روش توصیفی - تحلیلی در پی یافتن این پرسش است که چه مسائل اجتماعی در سفرنامه‌های منتخب دوره قاجار بازتاب یافته است. نتایج نشان داد که سفرنامه‌نویسان دو رویکرد نسبت به مسائل اجتماعی دارند: نخست مطرح کردن مسائل و زیرساخت‌ها و دیگری برشمردن معضلات اجتماعی. در هر دو بخش بیشترین توجه را به مسائل اجتماعی، حاج‌سیاح و حاجی‌پیرزاده داشته‌اند. پیرزاده بیشتر بر آنچه در سایر کشورها و به‌خصوص اروپا بوده تأکید داشته اما حاج‌سیاح بیشتر در مورد مسائل اجتماعی و معضلات داخل ایران سخن گفته است. او با زبانی انتقادی، از وضعیت نابسامان زیرساخت‌های اجتماعی در ایران گلایه دارد. مقایسه مشاهدات سیاحان در مورد مسائل اجتماعی، نشان می‌دهد که در دوران قاجار زیرساخت‌های اجتماعی در حد بسیار نامطلوبی بوده که قابل مقایسه با پیشرفت‌های کشورهای اروپایی در همان دوران نیست. همین امر، منجر به پدید آمدن عدم نارضایتی از حکومت، عدم رفاه اجتماعی، تبعیض‌های طبقاتی، افزایش مهاجرت و... در ایران گردیده بود.

واژه‌های کلیدی: سفرنامه، مسائل اجتماعی، قاجار، سفرنامه میرزا فتح‌خان، سفرنامه حاج‌سیاح، سفرنامه اعتمادالسلطنه و سفرنامه حاجی‌پیرزاده.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

khoshaadat.n@gmail.com

moazzeni@ut.ac.ir

^۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل).

nourozi@gmail.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، اردبیل، ایران.

مقدمه

سفرنامه‌ها، گنجینه‌ای غنی و اسنادی تاریخی و معتبر هستند که در بطن خود، اطلاعاتی از اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آداب و رسوم، اقلیم، معماری، هنر و ... را از جوامع مختلف در ادوار تاریخی ثبت و ضبط می‌کنند. از این جهت، مطالعات سفرنامه‌ها، در تحقیقات معاصر، یکی از مهم‌ترین ابزارهای گردآوری اطلاعات مردم‌شناسی و فرهنگ‌شناسی است. در این پژوهش چهار سفرنامه مربوط به دوره قاجار انتخاب شده‌اند که شامل سفرنامه میرزا فتاح خان، حاج سیاح، اعتمادالسلطنه و حاجی پیرزاده است.

در میان سفرنامه‌های منتخب، سفرنامه اعتمادالسلطنه از نوع سفرنامه‌های حج است. «حاج علی خان اعتمادالسلطنه» (۱۲۴۶ و).

از رجال سیاسی دوره قاجار بوده که نقطه عطف زندگی او حمل نامه و دست داشتن در قتل «امیرکبیر» به دستور ناصرالدین شاه است. او فرزند «محمدحسین خان مقدم مراغه‌ای» از دوران کودکی وارد دربار فتحعلی شاه قاجار شده و به همراه او به تهران آمد. اعتمادالسلطنه به عنوان «آجودان باشی» در سفارتخانه‌های اروپایی خدمت کرد. پس از مرگ «عباس میرزا» به همراه مادر محمدشاه به سفر حج رفته و سفرنامه‌ای از آن نوشت. زمانی که «مهدعلیا» و «میرزا آقاخان نوری» دستور قتل امیرکبیر را از ناصرالدین شاه گرفتند، اعتمادالسلطنه مأمور قتل امیر می‌شود. ننگی تاریخی که او برای خود خریده، سود رسیدن به سمت «حاجب الدولگی» دربار را برایش داشت. او پس از مدتی با عزل میرزا آقاخان، به گلپایگان تبعید شد ولی به دست مهدعلیا به حکومت خوزستان دست یافت (ر.ک: میرزا فتاح خان، ۱۳۴۷: ۱۳-۲۹). نسخه اصلی سفرنامه وی در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری شده و در ۲۱۹ صفحه به دستور «محمدحسن خان اعتمادالسلطنه» فرزند اعتمادالسلطنه، در سال ۱۳۰۶ ه. ق به نستعلیق تحریر شد (ر.ک: همان: ۳۰).

سفرنامه‌های میرزا فتاح خان و حاجی پیرزاده از نوع سفرنامه‌های سیاسی هستند که به دستور حکومت و برای انجام مأموریتی سیاسی نوشته شده است. «سفرنامه میرزا فتاح خان گرمرودی» شامل سه بخش یا رساله می‌باشد به نام‌های «سفرنامه ممسنی، رساله شب‌نامه و رساله چهار فصل» که در ایران در سال ۱۳۴۷. ش به سعی و تلاش «فتح‌الدین فتاحی» در ۱۲۰۰

صفحه به چاپ رسیده است. این سفرنامه در دوران محمد شاه قاجار اتفاق می افتاد؛ زمانی که «حسین خان آجودان باشی» سفیر می شود از جانب شاه به سفری سیاسی در کشورها انگلستان و اتریش و فرانسه رفته و طی این سفر سه رساله یا سه سفرنامه بنویسد (ر.ک: فتاح خان، ۱۳۴۷: هفده).

حاجی پیرزاده، در فاصله سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۳۵ ه.ق در نائین متولد شد و در ۲۰ سالگی برای تحصیل به تهران آمد و نزد حاجی میرزا صفا تربیت شد. او طی مراداتی که با درباران و بزرگان حکومتی داشت، به مرور جایگاه خود را در دربار باز کرد. «حاج محمدعلی پیرزاده نائینی» (۱۲۵۱-۱۳۲۱ق/۱۸۳۵-۱۹۰۴م) از عارفان مشهور دوران قاجار است. خاندان او از تاجران و اهل طریقت تبریز بودند؛ پیرزاده در جوانی مرید «حاج عبدالوهاب نائینی» شد و جانشین طریقتی او شد. او پس از درگذشت پدرش به تهران مهاجرت کرد و با اعیان و اشراف هم‌نشین شد. پیرزاده دو بار به اروپا سفر کرد که «سفرنامه حاجی پیرزاده» (در سال ۱۳۰۶ ه.ق در ۵۷۵ صفحه) شرح دومین سفر او به اروپاست که به توصیه ناصرالدین شاه نوشته شده است. پیرزاده، مسافرت خود را از ایران آغاز کرده و از راه هند به اروپا می رود و در بازگشت از سمت بغداد و بصره به ایران باز می گردد. حاجی پیرزاده در مسیر خود از کشورهای هند، مصر، فرانسه، انگلستان، اتریش، عثمانی، شامات و عراق عبور کرده و علاوه بر ذکر مشاهدات خود از کشورهای مختلف، از ملاقات‌هایی که با بزرگان و افراد برجسته داشته نیز در سفرنامه خود سخن گفته است (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: مقدمه چهار-دهم). به توصیه او «میرزا حسین خان سپهسالار» مسجد و مدرسه سپهسالار را تأسیس کرد. این سفرنامه به واسطه دقت زیاد پیرزاده در شرح جزئیات، رفتارها و سلوک، آداب و رسوم، مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی دارای اهمیت بسیار است (همان: مقدمه: چهار-سیزدهم).

«سفرنامه حاج سیاحپ»، نوشته «محمد علی بن محمد رضا سیاح» (۱۲۱۵-۱۳۰۴ ه.ش/ متولد محلات) است که شرح سفر او به کشورهای اروپایی و سیاحت‌های طولانی این جهانگرد را شامل شده است. او در سفر خود از مسیر روسیه به اروپا رفته و در طی ۱۸ سال مسافرت خود، از کشورهای روسیه، ارمنستان، گرجستان، آلمان، اتریش، لهستان،

فرانسه، انگلستان، ایرلند، دانمارک، سوئد، ایتالیا، بلژیک، سوئیس، یونان و ترکیه عبور کرد و شرح رویدادها و دیده‌ها و شنیده‌های خود را در سفرنامه‌ای گردآوری کرده است. سفرنامه حاج سیاح در این میان سفرنامه‌ای سیاحتی- زیارتی است که مباحث مختلف به همراه دیدگاه‌های شخصی بدون وابستگی به حکومت ذکر شده است.

سیاح در سفرنامه خود، مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را چه در مورد ایران و چه در مورد کشورهای دیگری که از آن‌ها بازدید کرده، مطرح کرده است و همین امر، سفرنامه او را گنجینه‌ای برای دستیابی به شناخت جریان‌ات مختلف داخل ایران و کشورهای دیگر در دوران قاجار کرده است (ر.ک: میرزایی و پروین، ۱۳۸۹: ۷۸).

هدف از این پژوهش بازشناسی دیدگاه‌های مختلف نویسندگان سفرنامه‌های فارسی در مورد مسائل اجتماعی دوره قاجار ایران و کشورهای دیگر است.

از این رو این پژوهش به تحلیل محتوایی سفرنامه‌های فارسی با تکیه بر مسائل اجتماعی، زیرساخت‌های مهم و همچنین معضلات اجتماعی پرداخته است. قاجاریان از حدود سال ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ در ایران قدرت را به دست گرفته که با پادشاهی آقا محمدخان شروع و با احمد شاه به پایان رسید. دوران قاجار یکی از برهه‌های مهم تاریخی ایران است که به دلیل وقایع مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در تاریخ ایران دارای اهمیت بسیاری است. پرسشی که در این پژوهش در پی پاسخ دادن به آن هستیم، آن است که چه مسائل اجتماعی در سفرنامه‌های دوره قاجار بازتاب یافته و سیاحان چه زیرساخت‌هایی را ملاک‌های داشتن اجتماعی مطلوب دانسته‌اند.

پیشینه تحقیق

در مورد سفرنامه‌ها، پژوهش‌های مختلفی منتشر شده که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- پایان‌نامه «بازتاب اصول و ساختار سیاسی غرب در سفرنامه‌ها و گزارش‌های ایرانیان دوره قاجاریه» (۱۳۹۶) نوشته حسین قربانی از دانشگاه تربیت مدرس
- پایان‌نامه «بررسی تحولات سیاسی اجتماعی ری در دوره قاجار با تکیه بر سفرنامه‌ها» (۱۳۹۵) نوشته اعظم بوربور از دانشگاه خوارزمی

- پایان نامه «زندگانی مردم ایران در عصر صفوی با تکیه بر سفرنامه های خارجی» (۱۳۹۵) نوشته سمیرا طهماسبی از دانشگاه ارومیه
- پایان نامه «سیمای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تبریز در سفرنامه های اروپائیان عصر قاجار» (۱۳۹۲) نوشته فرشته کرمزاده از دانشگاه تبریز
- پایان نامه «بررسی تطبیقی سفرنامه های ایرانی و اروپایی در عصر قاجار بر مبنای هشت سفرنامه» (۱۳۹۱) نوشته سرور مهماندار احمدآباد از دانشگاه تبریز
- پایان نامه «تحلیل و نقد گزارش های سفرنامه نویسان خارجی از اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خوزستان در دوره قاجار» (۱۳۹۰) نوشته حسین بهنام از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- پایان نامه «بررسی وضعیت اقتصادی ایران از صفویه تا قاجار بر اساس گزارشات سیاحان خارجی» (۱۳۹۵) نوشته آناه محمد ساری پور از دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود
- مقاله «کاروان های حج عثمانی به روایت سفرنامه های ایرانی دوره قاجار» (۱۳۸۸) نوشته اسرا دوغان در مجله میقات حج
- مقاله «نگاهی به سفرنامه پیتر دالاواله در عصر صفوی» (۱۳۸۴) نوشته عمادالدین فیاضی در مجله کاروان
- کتاب «همراه با سیاحان و جهانگردان» (۱۳۸۳) اثر محمود حکیمی
- کتاب «کنکاشی در سفرنامه های ایرانیان از قاجار تا زمان حاضر» (۱۳۸۱) اثر م. جوانبخت.

روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده که در آن چهار سفرنامه «میرزا فتح خان، حاج سیاح، اعتمادالسلطنه و حاجی پیرزاده» به عنوان جامعه آماری انتخاب شده اند.

مبانی تحقیق

سفر و سفرنامه نویسی

اهمیت سفر، در آن است که انسان را به یکی از غریزی ترین نیازهای درونی خود می رساند. نیاز به تعامل و رسیدن به آگاهی. توجه انسان به انسان های دیگر و برقراری تعامل با دیگر جوامع «سیر در انفس» و تلاش برای کشف و بازدید اقلیم ها و مکان های دیگر انسان یا

دیگر موجودات «سیر در آفاق» گفته می‌شود که هر یک در جایگاه خود، بر درجه اهمیت سفر کردن افزوده و هر یک زمینه اشتیاق انسان برای سفر کردن هستند (ر.ک: دانش‌پژوه، ۱۳۸۰: ۱۱).

سفرنامه‌نویسی یکی از شیوه‌های ادبی است که فرد در جریان سفر خود در طول حرکت از مبدأ به مقصد، شرح رویدادها، دیده‌ها، شنیده‌ها، آداب و رسوم، باورها، جریانات مختلف در بطن جامعه را در سفرنامه ذکر می‌کند. این امر، خود در مطالعات انسان‌شناسی و فرهنگ‌شناسی یکی از ابزارهای مطالعاتی مهم محسوب می‌شود. جکتاجی، سفرنامه‌ها را کلیتی از فرهنگ یک ملت دانسته است و معتقد است که سفرنامه‌ها با توصیف دیده‌ها و شنیده‌ها به همراه برداشت‌های شخصی نویسنده از هرآنچه در جوامع دیگر روی داده، جمع‌آوری از فرهنگ مردم آن دیار است که به آسانی نمی‌توان از آن گذشت (ر.ک: پورا احمد جکتاجی، ۱۳۵۵: الف).

سفرنامه‌نویسی به عنوان نوعی ادبی است که تلفیقی از ادبیات، تاریخ، جامعه‌شناسی و جغرافیاست به این واسطه که نویسنده، به دلیل ارتباط مستقیمی که با اجتماع دارد، جزئیات هرآنچه در بستر جامعه در جریان است و وجود دارد را در مکتوب خود نقل می‌کند. این امر اتصال میان سفرنامه‌نویسی به عنوان ژانری ادبی را با اجتماع و جامعه‌شناسی می‌رساند. مسلم است که میان ادبیات و اجتماع، پیوندی ناگسستنی وجود دارد به عبارتی ادبیات هر آن چیزی است که در اجتماع روی داده و هر رویکرد، جریان و طبقه در اجتماع نیز سازنده ادبیات خاص خود است. جامعه‌شناسی ادبیات، ارتباط میان ادبیات و اجتماع را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و مشخص می‌کند که هر یک از مولفه‌های خانواده، آموزش، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... بر سیستم ادبیات اجتماع چه تأثیری می‌گذارند. سفرنامه‌ها «هم در قالب نظم و هم به صورت نثر نوشته شده‌اند. و به لحاظ زبانی، با نگارشی ادبی و یا گفتاری شکل گرفته‌اند. این متون ادبی - تاریخی به هر شکل و زبانی و توسط هر لایه اجتماعی که نوشته شده باشند؛ ساختار ذهنیت و زبان سفرنامه‌نویس را آشکار می‌کنند. روایتی از سیاست و تاریخ‌اند» (رضوانیان، ۱۳۸۸: ۱۱۷). این امر در ادبیات جهان دارای پیشینه‌ای کهن است و در ایران نیز در کنار ساخت‌های دیگر متون ادبی، جایگاه خاص خود را یافته است.

در طی مطالعه سفرنامه، مخاطب اطلاعات مختلفی در مورد مباحثی پیدا می‌کند که در مورد سرزمین‌ها و فرهنگ‌های دیگر در سفرنامه ذکر شده است. اطلاعاتی در مورد آداب و رسوم، ابعاد مختلف اقتصادی، ساختارهای اجتماعی و ... از جمله مواردی است که اهمیت مطالعه سفرنامه‌ها را توجیح می‌کند. علاوه بر این، یکی دیگر از جنبه‌های اهمیت سفرنامه، اطلاعات تاریخی است که از حکومت‌ها، مناطق جغرافیایی، بناهای باستانی و رویدادهای تاریخی در سفرنامه‌ها ذکر شده است. «مورخان در تکمیل یا تأیید و توجیه اسناد تاریخی از سفرنامه‌ها کمک می‌گیرند؛ در حقیقت بسیاری از زوایای تاریخ یک ملت بدون بهره‌گیری از گزارش‌های سفرنامه‌نویسان ممکن نیست» (بارانی، ۱۳۸۳: ۸). سفرنامه‌ها به دلیل گزارشاتمی که در مورد اجتماعات و رویدادهای تاریخی بیان می‌کنند، زیرمجموعه‌ای از کتاب‌های تاریخی نیز می‌توانند محسوب شوند؛ زیرا منبعی برای «انسان‌شناسی، تاریخ‌شناسی و فرهنگ‌شناسی» هستند (ر.ک: عزت‌پور، ۱۳۹۱: ۱۱۰). از این‌رو سفرنامه‌ها یکی از منابع مهم جهت شناسایی وجه تاریخی جوامع در بستر ادبیات است. گنجینه‌های فرهنگی و ادبی کشورها که دیدگاه اجتماع را نسبت به اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دینی و ... نشان می‌دهد. حکیمی سفرنامه‌هایی که از ادوار گذشته به امروز رسیده را منبعی ارزشمند برای جامعه‌شناسان، تاریخ‌نگاران و پژوهشگران اجتماعی دانسته است (ر.ک: حکیمی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۴). سفرنامه‌ها به اقتضای ماهیت سفر تقسیم‌بندی می‌شود: سفرنامه‌های مذهبی: در این سفرنامه‌ها، هدف اصلی، زیارت و تبلیغات مذهبی است؛ سفرنامه‌های سیاسی: رجال سیاسی، که برای برقراری ارتباطات سیاسی به سفر می‌روند، گاه اقدام به نوشتن شرح سفرهای خود می‌کنند؛ سفرنامه‌های تخیلی؛ مهاجرت؛ نظامی؛ اکتشافی؛ علمی (ر.ک: همان: ۴۰-۹۲). همچنین سفر را می‌توان به سه دسته اجباری، اختیاری و غریزی تقسیم کرد (ر.ک: همایون، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

بحث

الف) مسائل و زیرساخت‌های اجتماعی

آموزش

در بخش «آموزش»، دو مبحث سوادآموزی و سیستم آموزشی بررسی شده‌اند. از دوران

غزنویان که در سفرنامه ناصرخسرو (ر.ک: قبادیانی، ۱۳۳۵: ۳)

به آن اشاره شده، همواره علم‌آموزی یکی از برترین دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی مردم ایران بوده و جایگاه معلمان به عنوان تربیت‌کنندگان دانش‌آموزان، دارای ارج بسیار بود و طالبان علم، به کسب سواد و دانش از عالمان وقت می‌پرداختند. این روند در دوران قاجار تغییر یافت. در ایران دوره قاجار، تنها اقشار خاصی توانایی تحصیل و علم‌آموزی داشتند به همین دلیل بسیاری از کارکنان مشاغل دولتی و منصب‌داران حکومتی بی‌سواد بوده و به همان ترتیب به انجام وظایف خود می‌پرداختند. در کشورهای اروپایی، نگاه به علم‌آموزی در همان دوران قاجار متفاوت‌تر از ایرانیان است. اروپاییان سوادآموزی را برای همه طبقات اجتماع واجب دانسته و زمینه‌های علم‌آموزی را برای تمامی اقشار اجتماع فراهم آورده بودند.

دانش و سوادآموزی

فتاح به اصل شمردن تعلیم و تربیت و سوادآموزی در میان تمام اقشار مختلف جامعه فرانسه اشاره کرده است (ر.ک: میرزا فتاح‌خان، ۱۳۴۷: ۸۱۶). میرزا فتاح در ضمن توصیف و اهمیت علم‌آموزی در فرانسه، به مراسم فارغ‌التحصیلی دانش‌آموزانی اشاره می‌کند که در مدارس تعلیم دیده‌اند (ر.ک: همان: ۸۱۷). در سفرنامه حاج سیاح او در شهر اصفهان در برخورد با مسئول گمرک، مطلع می‌شود که این فرد، فاقد سواد و علم است و این امر برای سیاح بسیار تأسف بار بود (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۳۵). حاج سیاح از دوران گذشته ایران یاد می‌کند، که علم و دانش یکی از ارزش‌های اصلی فرهنگ و اجتماع ایرانیان محسوب می‌شد. اما در دورانی که سیاح در آن می‌زیسته، علم‌آموزی در میان ایرانیان به واسطه اتخاذ تصمیمات و کج‌بینی‌های حاکمان، رو به نزول نهاده بود. صدماتی که نبود علم و دانش در جامعه بر پیکره آن وارد می‌کند، هم در کوتاه مدت و هم در دراز مدت مشاهده خواهد شد (ر.ک: همان: ۴۴). پیرزاده طی برخوردی که با پسری ایرانی ساکن مصر داشت، به این امر اشاره می‌کند که کودکان باهوش و با استعداد در ایران بسیار زیادند، اما به دلیل تدابیر ناصحیح و عدم توجه مسئولین به آموزش و تربیت کودکان ایران، تمام این استعدادها از بین رفته و نابود می‌شود (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۲: ۱۶۹).

سیستم آموزشی

در مورد سیستم آموزشی مدارس اروپایی (مدارس فرانسه)، نکته مهم شیوه گزینش دانش‌آموزان است که هر سال یک بار معلمین از جهت میزان دانش و ترقی که دانش‌آموزان در علم خود داشته‌اند مورد سنجش قرار گرفته و فردی که در همان سطح پیشین بوده مورد تنبیه قرار گرفته و اگر پیشرفت علمی داشت، تشویق می‌شد (ر.ک: میرزا فتاح‌خان، ۱۳۴۷: ۸۱۵-۸۱۶). حاج سیاح در مورد «وزارت معارف و علوم» که مسئولیت اصلی آن نظارت بر سیستم آموزشی ایران بود آورده است: «یک نفر را در طهران وزیر علوم می‌گویند که مبلغی بشاه و صدراعظم می‌دهد تا این اسم را داشته باشد و هرگاه کسی کتابی طبع کرد مبلغی از او برای خود می‌گیرد و غیر این وزارت علوم معنی دیگری ندارد» (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۴۸۷-۴۸۵). این نقل، خود شاهی بر این مدعاست که سیستم آموزشی در ایران تنها نامی بیش نبوده است. وجود مدارس و مراکز آموزشی که به واسطه تلاش‌های افرادی تأسیس شده بود، با عدم سیستم درست آموزشی، پیشرفت علمی در ایران آن دوران، راه کج طی کرده و بیشتر به بیراهه رفته بود. حاج سیاح در سفرنامه خود از مدارس شهر کاشان دیدن می‌کند. او مشاهده می‌کند طلابی که برای کسب علم در این مدارس مستقر بودند، هر کاری غیر از علم‌آموزی انجام می‌دادند. در ایران، دانش‌آموزان به واسطه آموزش‌هایی که به آن‌ها داده می‌شد، مورد سنجش قرار نمی‌گرفتند (ر.ک: همان: ۵۴). حاج سیاح معتقد است که مطالب علمی که در مدارس ایران تدریس می‌شد، مربوط به علوم قدیمی و باستانی ایران بوده و تبادل اطلاعات و بهره‌مندی دانش‌آموزان از پیشرفت‌های علمی سایر کشورها وجود نداشت (ر.ک: همان: ۵۵). سیستم آموزشی به اندازه‌ای بد و اوضاع مدارس به اندازه‌ای وخیم بود که حاج سیاح در سفرنامه خود ذکر کرده، شغل معلمی، پست‌ترین شغل‌ها در میان دیگر مشاغل بود (ر.ک: همان: ۱۰۹).

بهداشت شهری

در دوران غزنویان و سلجوقیان، سیستم تهویه پیشرفته آب و فاضلاب در شهرهای ایران وجود داشته (ر.ک: قبادیانی، ۱۳۳۵: ۸)؛ اما در دوران قاجاریه با نزول مواجه شده و بسیاری از شهرهای ایران به واسطه کم‌توجهی حاکمان به رفاه مردم، از آب شهری و سیستم

آبرسانی و فاضلاب مناسب محروم بودند. به موازات کمبود سیستم آب شهری، بهداشت شهری نیز از وضعیت نامساعدی برخوردار بود. سیستم فاضلاب حتی در کشورهای اروپایی نیز ضعیف بوده و فاضلاب‌های شهری به رودخانه‌های بزرگ ریخته شده و بر آلودگی شهری می‌افزود.

در ایران دوران قاجار، بسیاری از شهرها و روستاهای ایران، فاقد فاضلاب بودند. به عنوان نمونه می‌توان به قلعه‌ای در نزدیکی «لاسگرد» اشاره کرد. حاج سیاح در سفر خود این شهر را در اوج آلودگی و کثیف بودن توصیف کرده و عدم وجود بهداشت شهری را مایه عقب‌ماندگی ایران در برابر کشورهای متمدن آن روزگار دانسته است (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۱۱۷). عدم بهداشت در ایران، به اندازه‌ای بود که حتی شهرهای بزرگی چون مشهد نیز در اوج کثیفی و بدون داشتن سیستم فاضلاب شهری بودند (ر.ک: همان: ۱۳۲). پیرزاده در مورد شهر شیراز به این نکته اشاره کرده که بسیاری از مردم این شهر، به واسطه نبود بهداشت کافی در شهر بیمار بودند (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: ۴۰). در مقابل در مورد شهر مصر، راوی به این امر اشاره می‌کند که روزی دو مرتبه، تمام معابر و کوچه‌ها آب‌پاشی شده و تمیز می‌شد (ر.ک: همان: ۱۶۶). در مورد شهر پاریس، راوی به این نکته اشاره می‌کند که زمین معابر را با قیر و ریگ سنگ‌فرش کرده که با بارش باران شسته و تمیز می‌شد (ر.ک: همان: ۱۹۰). علاوه بر این موارد، افرادی موظف هستند که در شهر حرکت کرده و هرگونه آلودگی را تمیز کنند و این امر عامل بیشتری در پاکیزگی شهر پاریس بود (ر.ک: همان: ۱۹۲).

حمام و بهداشت فردی

«حمام واژه‌ای عربی از ریشه حمّ به معنی گرم کردم (چیزی را) یا از ریشه «ح م م» به معنی آب گرم است» (منفرد، ۱۳۸۹: ۱۰۶). در ایران به حمام، گرمابه نیز گفته می‌شد: «گرمابه مرکب از گرم و آبه (مکان یا ساختمان) به معنی ساختمان گرم است» (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۱۹۷). در قدیم، در هر خانه‌ای امکان وجود حمام و استفاده از آب شهری نبوده، به همین دلیل، حمام‌های عمومی در سطح روستاها و شهرها ساخته می‌شد. در سفرنامه حاج سیاح، به این نوع از حمام‌ها اشاره شده با این تفسیر که سیاح عدم رعایت بهداشت و کثیف بودن

را در مورد تمام حمام‌های ایران در آن زمان تعمیم داده است (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۳۶). اعتمادالسلطنه در سفر به عراق، از ولایتی به نام «دیار بکر» در کنار شط بغداد دیدن کرده و به این نکته اشاره می‌کند که در این شهر، حمام‌های عمومی برای استحمام مردم ساخته شده‌اند (ر.ک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۶۵). در شهر «قطیفه» که اعتمادالسلطنه از آن بازدید کرده بود، به ساخته شدن و وقف مسجد و حمامی در این مکان توسط شخصی به نام «سنان پاشا» اشاره کرده است (ر.ک: همان: ۸۷).

افرادی که متمول و دارای ثروت بودند، در تفرجگاه‌ها یا منازل بزرگ خود، حمام‌هایی برای استحمام مهمانان و ساکنان خانه می‌ساختند که از جمله آن‌ها می‌توان به عمارت بزرگ «صاحب دیوان» که از همراهان حاجی پیرزاده بود، اشاره کرد (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: ۳۵). در برلین دو حمام عمومی بزرگ بود که یکی از آن‌ها در چهار طبقه و دارای اتاق‌های متعدد بود. وجود دوش‌های آب که در آن زمان برای پیرزاده جالب بوده، از وسایل دیگر این حمام بود (ر.ک: همان، ج ۲: ۵۴).

طب و درمان

در دوران قاجار، حکومت هیچ‌گونه فعالیتی در جهت بهبود شرایط درمان در کشور انجام نمی‌داد. از سوی دیگر عدم آموزش طبیبان با علم روز طب، رایج بودن طبابت سنتی در ایران (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۱۴۳)، نبود امکانات و تجهیزات طبابت در بیمارستان‌ها، درمان توسط عطاری‌ها و بدون دانش طبابت، پایبند بودن به اندیشه‌های خرافی و مذهبی و ... زمینه‌های عدم وجود درمان مناسب و پیشرفت طب و درمان در ایران را فراهم ساخته بود. در همین دوران است که در کشورهای اروپایی بیمارستان‌هایی برای موارد خاص چون زنان و زایمان تأسیس شده (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: ۲۷۱-۲۷۲). و دولت به این بخش از رفاه اجتماعی به صورت پیگیر و مستمر رسیدگی می‌کرد. از این‌رو در دوران قاجار، وضعیت ایران در زمینه طب و درمان بسیار ضعیف‌تر و نامناسب‌تر از کشورهای اروپایی بود.

در ایران دوران قاجار، حاج سیاح از بیمارستانی در «قمصر کاشان» یاد می‌کند که به دست فردی که خود طبیب بوده ساخته شده و از بیماران در آنجا نگهداری می‌شد (ر.ک:

محلاتی، ۲۵۲۶: ۴۹). نبود سیستم درست طبابت و کمبود بیمارستان و دکتر، زمینه‌های بروز بیماری‌های مختلف به صورت گسترده در ایران بود. در دوران قاجار دو بار به صورت همه‌گیر بیماری وبا در میان مردم شیوع یافت که تعداد زیادی از مردم ایران را هلاک کرد (ر.ک: همان: ۵۳۶). یکی از مواردی که در مورد پاریس به آن اشاره شده و یکی از نشانه‌های پیشرفت علم و طب در این دیار است، وجود بیمارستان‌هایی جهت وضع حمل و زایمان زنان بود. همین امر سبب کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و مادران شده بود. همچنین افرادی که وضع مالی مناسبی نداشتند، رایگان بستری می‌شدند (ر.ک: همان: ۲۷۱-۲۷۲). این امر نقطه مقابل ساختار ایران در زمینه طب در همان دوران است. زیرا در دوران قاجار آن روزگار «هیچ‌گونه سازمان و تشکیلات عام‌المنفعه برای درمان دردهای اجتماعی و گرفتاری‌های روزمره مردم وجود نداشت» (رضائی، ۱۳۸۹: ۲۲۶). یکی از دلایل اصلی پیشرفت علم طب در اروپا، برخورد جامعه با مواردی است که عامل پیشرفت آن می‌شوند. مانند تشریح کردن مردگان برای پیشرفت علم و پی بردن به سوالات مرتبط با این موضوع (ر.ک: همان: ۲۷۳). حاجی پیرزاده به وجود بیمارستان روانی در شهر لندن اشاره کرده که به همراه همراهان خود از این بیمارستان نیز دیدن کرده است (ر.ک: همان: ۳۰۳). علاوه بر بیمارستان فوق، بیمارستان مجهزی در لندن بوده که بخش‌های مختلفی برای درمان بیماران داشت. یکی از این بخش‌ها مخصوص به اطفال بوده است (ر.ک: همان: ۳۰۴).

امنیت اجتماعی

در مورد امنیت اجتماعی در کشور فرانسه، میرزا فتاح به این نکته اشاره می‌کند که در شهرهای فرانسه من‌جمله پاریس، زنان و مردان آزادانه در شهر تردد کرده و هیچ ظالم و مظلومی به صورت آشکار در شهر دیده نمی‌شود و این به واسطه وجود قوانین و احکام قضایی مستحکمی است که حق مظلومان را از ظالمان همواره می‌گیرد. (ر.ک: میرزا فتاح خان، ۱۳۴۷: ۸۲۳). در مورد شهر بوشهر حاج سیاح به والی این شهر به نام «حاجی محمد باقرخان اصفهانی» و پسرش «میرزای احتشام الدوله» اشاره کرده که هر فرد دزدی را به سختی مجازات می‌کردند. این قوانین خشن که در بیشتر مواقع منجر به آزار مردم عوام می‌شد، در مجموع سبب شده بود تا دزدی در این شهر به کمترین میزان خود رسیده و مردم

از امنیت نسبی برخوردار باشند؛ اما در مقابل همین امر سبب ظلم بیشتر حاکمان به مردم شده بود (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۱۳). اعتمادالسلطنه، در شهر موصل به ساخته شدن قراول خانه‌هایی (سربازخانه‌ها) در کنار دروازه‌ها و معابر مهم شهری اشاره کرده که تعدادی سرباز در آن‌ها ساکن بودند تا هر زمان مشکلی در میان مردم پیش آمد، سربازان سریع در محل حاضر شده و امنیت را برقرار کنند (ر.ک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۴۸).

وضعیت حمل و نقل و جاده‌ها

در دوران غزنویان تا صفویه، جاده‌ها مالرو و چندان مناسب تردد نبوده‌اند. در دورانی که میرزا فتح‌خان، حاج سیاح، اعتمادالسلطنه و پیرزاده از کشورهای اروپایی دیدن می‌کنند، سیستم حمل و نقل آن‌ها کاملاً پیشرفته‌تر از ایران بوده و با چاپارخانه‌هایی از مسیرهای جاده‌ای بین شهری محافظت و ارتباط بین شهرهای را برقرار می‌کردند. در حالی که در همان دوران در داخل ایران، حتی در شهرهای مهم تجاری و امنیتی نیز وضعیت جاده‌ها بسیار نامناسب بوده (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۱۲-۱۳) و تردد با مشکلاتی برای مسافران همراه بود (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: ۶۰). در سفرنامه فتح به جاده‌های کشور اتریش و شیوه حمل و نقل جاده‌ای آن‌ها اشاره کرده که توسط چاپارخانه‌هایی که میان راه به صورت متعدد ساخته شده بود (ر.ک: میرزا فتح‌خان، ۱۳۴۷: ۷۷۲). در مورد شهر کراچی حاج سیاح آورده است: «در کراچی، هنوز راه‌های آهن ناتمام بود لکن راه‌ها همه شوسه و صاف گردیده درشکه و عراده به‌طرف باسہولت حرکت می‌کرد» (همان: ۹). حاج سیاح به مناره‌هایی اشاره می‌کند که در دوران گذشته به دست نادرشاه افشار، در مسیر راه شهرهای کویری قرار داده تا با وجود ریگزار بودن منطقه، مسافران به واسطه آن علامت‌های متعدد در مسیر راه، به سلامت به مقصد برسند. اما به مرور زمان و عدم توجه به این مسیرها، این مناره‌ها و نشانه‌ها نیز رو به ویرانی گذاشته و در بیشتر جاها، مردم تنها با کمک راه‌بلد‌ها می‌توانستند مسیریابی کنند (ر.ک: همان: ۱۵۴). هرچه از مناطق مهم کشور مانند اصفهان و شیراز به سمت جنوب متمایل شویم، از میزان امکانات و رسیدگی دولتمردان به وضعیت مردم کاسته می‌شد و این امر در سفرنامه پیرزاده به خوبی به آن اشاره شده است (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: ۱۰۶). پیرزاده در مورد سیستم حمل و نقل درون‌شهری در شهر

بمبئی به وجود ریل‌های قطار که انگلیس به این کشور وارد کرده بود، اشاره کرده است. تواموهای آن دوران با سیستم بخار حرکت کرده به همین دلیل حاجی پیرزاده با عنوان «کالسکه بخار» که دارای ریل است از آن‌ها یاد کرده است (ر.ک: همان: ۱۲۴). سیستم حمل و نقل دیگر در اروپا ترن‌های زیرزمینی یا همان مترو بود که برای سیاح ایرانی، امری عجیب بود زیرا هنوز این میزان پیشرفت تکنولوژی در زمینه حمل و نقل به ایران وارد نشده بود (ر.ک: همان: ۳۱۱-۳۱۲).

مکان‌های اجتماعی

در مورد مکان‌های اجتماعی همچون کاروانسراها، مبتنی بر شواهد سفرنامه‌ها می‌توان بیان کرد در دوران غزنویان و سلجوقیان این اماکن یکی از مهم‌ترین مراکز اجتماع مردم و ارتباط بین شهری بودند (ر.ک: قبادیانی، ۱۳۳۵: ۱۲۳). وجود کاروانسراهای عظیم با ساختارهای معماری پیشرفته یکی از نشانه‌های ساختار ارتباطی و حفاظتی ایران در این دوران است. رونق مکان‌های اجتماعی به‌خصوص کاروانسراها در ایران، زمانی که به دوران قاجار می‌رسیم، کاسته شده و حتی رو به نابودی می‌نهد و به همین دلیل است که حاج سیاح و نویسندگان پس از آن از عدم رسیدگی به این مکان‌ها و مخروبه شدن آن‌ها یاد کرده‌اند (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۲۹ و اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۴۰).

در مورد سایر مکان‌های اجتماعی، هر چه از دوره غزنوی به سمت قاجار طی می‌شود، مکان‌های اجتماعی جنبه رفاهی بیشتری یافته و با پیشرفت صنعت این مکان‌ها نیز متنوع‌تر شده‌اند. این امر به‌خصوص در کشورهای اروپایی مشاهده می‌شود.

کاروانسرا

کاروانسراهایی که سیاحان ایرانی از جمله حاج سیاح در سفرنامه‌های خود در مناطق مختلف ایران به آن‌ها اشاره می‌کنند، اغلب خرابه‌هایی بیش نیستند و مانند دیگر نقاط کشور مورد بی‌توجهی دولتمردان قرار گرفته‌اند. اگرچه سیاحان از کاروانسراهایی نیز یاد می‌کنند که آباد بوده و محل‌های مناسبی برای استراحت و توقف مسافران بودند. مانند کاروانسرای «مهیار» در نزدیکی اصفهان که در کنار شهر «قمشه» از دوران صفویه برجا مانده بود (ر.ک: همان: ۳۳) و کاروانسرای قریه «مهیار» (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: ۱۴).

از جمله کاروانسراهای ساخته شده در کشورهای خارجه، کاروانسرای است که به دست پادشاه فرانسه در وسط شهر پاریس ساخته شده و در آن از کشورهای مختلف تاجران برای خرید و فروش اقلام مختلف گرد می‌آمدند (ر.ک: میرزا فتاح‌خان، ۱۳۴۷: ۸۰۷-۸۰۸).

مولوی خانه

در شهر استامبول که میرزا فتاح در آن سیاحت کرده، به مکان‌هایی اشاره شده که در اویش و طالبان امور دینی در آنجا ساکن می‌شدند. این مکان‌ها دارای بناهای بزرگی بوده که خود دارای محوطه‌هایی مانند قبرستان، باغ و حجره‌هایی برای زندگی بوده است. به این مکان‌ها «مولوی‌خانه» گفته می‌شد که اشاره به مسلک مولانای رومی است که در استامبول پیروان بسیار داشته است. نکته‌ای که در میان مهم است، تأمین مخارج این درویش‌ها است که به دست دولت است و این امر از رویکرد مذهبی حکومت عثمانی ناشی می‌شود (ر.ک: میرزا فتاح‌خان، ۱۳۴۷: ۷۵۷).

مکتب‌خانه (دانشگاه)

میرزا فتاح، زمانی که در کشور اتریش بود، به دیدن جاهای دیدنی و تاریخی شهر توسط حاکم آن ولایت رفت. در این میان، حاکم آن‌ها را به «مکتب‌خانه» می‌برد که در واقع همان دانشگاه و محل تحصیل دانشجویها بود. فتاح به انواع علوم و کتاب‌هایی اشاره می‌کند در آنجا جمع‌آوری شده بود. در بخشی از این مکتب‌خانه، انواع جانوران از حیوان، پرندگان و حتی انسان در شیشه‌های الکل نگهداری شده، انواع خاک‌ها و فلزات و ... که نقش مهمی در پیشرفت علم جانورشناسی و زیست را در آن کشور نشان می‌دهد (ر.ک: همان: ۷۷۵).

صنایع‌خانه (نمایشگاه صنعتی)

از جمله مکان‌هایی که میرزا فتاح در سفر به پاریس از آن دیدن کرده بود، نمایشگاه صنایع دستی بود که در آن انواع ساخت‌های فلزی، چوبی و شیشه‌ای که توسط صنعتگران در طول پنج سال ساخته شده بود، به معرض دید عموم قرار می‌گرفت و عموم مردم اجازه دیدن از این وسایل را داشتند. نکته‌ی حائز اهمیت، استقبال دولت از افرادی بود که قصد اختراع یا ساختن ابزارهای کارآمدی مانند ابزارهای موجود در نمایشگاه را داشتند (ر.ک:

همان: ۸۱۴-۸۱۵).

تلگرافخانه

در سفرنامه حاج سیاح، به وجود تلگرافخانه‌های متعددی در جاده‌های ایران اشاره شده که در بیشتر آن‌ها، مأموران انگلیسی حضور داشتند و مسئولیت برقرای ارتباط میان مناطق مختلف و همچنین ارسال پیام‌های مختلف به مرکز دولت ایران و کشورهای اروپایی به خصوص انگلیس را برعهده داشتند (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۴۹). ساخته شدن تلگرافخانه در جهت برقراری ارتباطات بین شهری، در ابتدا توسط کمپانی‌های خارجی (انگلیس) در ایران انجام می‌شد. پیرزاده، به وجود تلگرافخانه‌هایی در نزدیکی شیراز اشاره کرده است (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: ۵۱).

پستخانه

ایرانیان نخستین ملتی بودند که از سلسله هخامنشی در حدود سه هزار سال پیش اقدام به تأسیس سیستم پستی با نام «چاپار» کردند. در دوران قاجار سیستم اداره پست در ایران ترقی کرد و در سال ۱۲۶۴ ق دارای ۷ خط اصلی و پنج خط فرعی پستی بود. در سفرنامه حاج سیاح به احداث مراکز پست در ایران برای نخستین بار اشاره شده است: «از برادرش پرسیدم گفت: «در وینه است هنوز مراجعت نکرده برای تکمیل امور پستخانه اقامت دارد» گفتم: «موسس پست ایران که بود؟» گفت: «موسیو ریدر اطریشی»» (محلاتی، ۲۵۲۶: ۱۰۲). از جمله مناطقی که دارای پستخانه بود، ارومیه بود که سیاح آن را در کاروانسرای که محل استقرار مسافران بود، ذکر کرده است (ر.ک: همان: ۲۵۸).

اعتمادالسلطنه، در مورد پست و ارسال نامه به ایران، توضیحات مفصلی ذکر کرده است. راوی که خود به واسطه سفر حج به عربستان و عراق و ... سفر کرده است، برای ارسال نامه‌های خود، به این نکته اشاره می‌کند که نامه‌ها به «رئیس چاپارها» تحویل داده شده و به میزان وزن نامه، طلا پرداخت می‌شد (ر.ک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۳۶-۳۷). در سفر پیرزاده به لندن، او به همراه مویدالملک و معاون الملک به دیدن پستخانه لندن رفته و به ذکر جزئیات این عمارت و چگونگی روش پست نامه و بسته‌های مرسوله پرداخته است. علاوه

بر مراکز پستی، صندوق‌های پست نیز در جمع‌آوری نامه‌های پستی نقش مهم ایفا می‌کردند (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: ۲۹۸).

چاپ‌خانه

وجود چاپ‌خانه‌ها نشان از تمدن و وجود صنعت چاپ در یک کشور است که اعتماد السلطنه در مورد شهر «موصل»، به عنوان قطب فرهنگی عراق به وجود چاپ‌خانه در این شهر اشاره کرده است (ر.ک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۵۰-۵۱). از جمله اماکنی که حاجی پیرزاده از آن‌جا بازدید کرد، چاپخانه روزنامه لندن بود که روزانه بیشتر از هفتصد هزار نسخه روزنامه چاپ می‌کرد (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: ۳۰۱-۳۰۲).

کتابخانه

در مورد شهر «خرپوت» از ولایات عراق اعتمادالسلطنه در سفر خود به کتابخانه‌ای اشاره کرده است که حدود پنج هزار کتاب نسخه خطی در آن نگهداری می‌شد (ر.ک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۷۰). کتابخانه بزرگ لندن یکی از مکان‌های مهم و برجسته این شهر است که حاجی پیرزاده در مورد آن جزئیاتی از ساختمان عمارت، ساختار داخلی و نوع چیدمان کتاب‌ها، تعداد افراد حاضر در کتابخانه جهت مطالعه و... را ذکر کرده است (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: ۳۱۲-۳۱۳).

موزه

حاجی پیرزاده، در سفر به پاریس از برجسته‌ترین موزه جهان به نام «لور» دیدن کرده و به توصیف ساختمان موزه، اشیائی که در آنجا نگهداری می‌شود و همچنین تاریخچه این عمارت پرداخته است (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: ۲۰۸-۲۰۹). علاوه بر موزه‌های تاریخی، موزه جنگ نیز از نمونه‌هایی از که پیرزاده در ادامه سفر خود به برلین از آنجا دیدن کرده است (ر.ک: همان، ج ۲: ۴۴).

نظام قضای و دادگاه‌ها در ایران

سیستم قضایی و نظارتی یک جامعه، ستونی برای برپایی امنیت اجتماعی در آن اجتماع است. اگر این سیستم دچار نقص باشد، زمینه‌های سوءاستفاده و چپاول مردم مهیا می‌شود. در دوران غزنویان تا صفویه، دادخواهی در مساجد انجام می‌گرفت (ر.ک: قبادیانی، ۱۳۳۵:

۶۵-۶۶). هرچه از دوران غزنویان به سمت قاجار پیش می‌رویم، دادگاه‌ها شکل منسجم و قانون‌مدار یافته و از حق‌کشی‌ها کاسته می‌شود. با این وجود، در دوران قاجار، ایران سیستم قضاوتی مناسبی نداشته و نسبت به کشورهای اروپایی و کشور عثمانی از قانون‌مداری کمتری برخوردار است. در ایران شرایط دادگاه‌ها و شیوه قضاوت دوران قاجار بسیار نادرست و بدون هیچ‌گونه نظارتی صورت می‌گرفت. شرایط نظام قضایی در دوران ایران در سفرنامه حاج سیاح به تفصیل شرح داده شده است: ۱- عدم سیستم نظارتی بر عملکرد قاضیان ۲- شخصی‌سازی دیوان قضایی و سودجویی از مردم ۳- وجود فساد مالی در ساختار قضایی (ر.ک: همان: ۱۳۸ و ۴۸۳) ۴- انتخاب افراد ناشایست برای قضاوت (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۵۸) ۵- مشخص نبودن قاضیان و نداشتن سمت رسمی قضاوت (ر.ک: همان: ۴۸۴).

ب) معضلات اجتماعی

بسیاری از بافت‌های اجتماعی در ایران مبتنی بر نظامی فرهنگی و اندیشه‌ای باستانی بوده و نسبت به کشورهای توسعه‌یافته سنتی‌تر و بسته‌تر هستند. تناقض میان جایگاه اجتماعی زنان در ایران و کشورهای اروپایی، عدم رفاه و معضلات اجتماعی، نشاط اجتماعی و ... از جمله موارد تفاوت بافت‌های اجتماعی ایران با کشورهای اروپایی در دوران قاجار است.

جایگاه اجتماعی زنان

در دوره قاجار، بنا به شرایط اجتماعی و اقتصادی که برای مردم پیش آمده بود، در برخی مناطق ایران چون کرمان، مردم برای تأمین نیازهای روزانه (غذا)، زنان و دختران خود را به عقد مردانی در می‌آوردند که اغلب صاحب ملک، لشکری و یا طلبه بودند. حاج سیاح فقر و بیچارگی مردم این منطقه به واسطه ظلم شاهان قاجار را عامل رواج این فرهنگ ناپسند دانسته است (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۱۶۴-۱۶۵). در مورد حضور زنان در شهر «حلب» و «شام» اعتمادالسلطنه به دلیل مقایسه‌ای که با زنان با داخل ایران و پیشینه فرهنگ ایرانی قاجار داشته، در سفرنامه خود ذکر می‌کند که زنان این شهر، اغلب «بی‌عصمت» هستند؛ زیرا بدون روبنده در مجامع عمومی حاضر می‌شدند (ر.ک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۷۸ و ۸۷). این توصیف از جایگاه زنان در این اجتماع، اگرچه می‌تواند برداشتی شخصی

باشد، اما متصل به فرهنگ، استدلال و دیدگاه مردان در آن دوران است. حضور زنان در جامعه به عنوان بخشی از قدرت کاری به خصوص در داد و ستدها در ایران امری نشدنی و به دور از فرهنگ رایج آن دوران بود؛ اما همین امر در کشورهای اروپایی، امری رایج بوده و این کشورها از نیروی انسانی زنان خود استفاده کرده و تفاوتی میان داد و ستد زنان و مردان در آن جامعه وجود نداشته که پیرزاده به همین دلیل در سفرنامه خود به کار کردن زنان به عنوان تاجران و مسئولان فروش در مغازه‌های اروپایی اشاره کرده است (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: ۲۰۱).

عدم رفاه و معضلات اجتماعی

در مورد « معضلات اجتماعی حاج سیاح موارد بیشتری را در بستر جامعه مشاهده و در سفرنامه خود به آن‌ها اشاره کرده که بیشتر این موارد نیز در مورد رفتارهای مردم و مسئولان حکومتی ایران در دوران قاجار است. این امر نیز بیشتر به این دلیل است که حاج سیاح نسبت به دیگر سیاحان چون اعتمادالسلطنه، میرزا فتاح خان و حاجی پیرزاده که سفرنامه‌های سیاسی و حج نوشته‌اند، بیشتر در بطن اجتماع بوده و مراودات اجتماعی بیشتری نیز با مردم داشته به همین دلیل کج‌تابی‌های رفتاری را نیز بیشتر از سایرین درک کرده و در سفرنامه خود بازتاب داده است. حاج سیاح، پس از هجده سال که به سیاحت پرداخته بود، از طریق بندر عباس و بوشهر وارد ایران می‌شود. وضعیت ناخوشایند و عدم رفاه اجتماعی در این شهرها باعث ایجاد ناخوشنودی در سیاح شد (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۱۲).

از جمله معضلات اجتماعی که در سفرنامه مربوط به ایران مطرح شده، «فرد گرایی» در مورد احداث مکان‌های مختلفی است که غالباً جنبه عمومی داشته اما تنها یک نفر مسئولیت ساخت و بهره‌برداری از آن مکان را کسب می‌کند. فردی مسئولیت ساخت مکانی چون کاروانسرا، تماشاخانه و نظایر آن را برعهده می‌گرفت و منافع حاصل را نیز خود می‌برد. همین امر سبب می‌شود که پس از مرگ آن شخص و یا خارج شدن قدرت از دست فرد، دیگران توجهات لازم را به این مکان‌ها نداشته و به مرور رو به ویرانی گذارد. بعد از او نیز شخص دیگری با هزینه‌های دیگری مکانی مانند آن را احداث می‌کند. از بین رفتن منابع ملی و صرف هزینه‌های گزاف برای احداث و بهره‌برداری از مکان‌های عمومی از جمله

مضررات این شخصی‌سازی‌ها است. سیاح بیان می‌کند که این امر در کشورهای خارجه صورت نمی‌گیرد بلکه به گونه‌ای است که اگر فردی مسئولیت ساخت محلی را داشته، پس از او دولت و دیگران به آن مکان رسیدگی کرده و به نوعی آن محل جزء آثار ملی و دولتی قرار می‌گیرد (ر.ک: همان: ۴۴). سیاح به واسطه مسافرت‌های خود با شیوه‌های اداره موقوفات و ساخت‌های مختلف در کشورهای اروپایی آشنا بوده و بیان می‌کند که دولت بر روی ساخت و سازها و همچنین منافع و درآمدهای فردی نظارت دارد و اداره‌ای نیز مکان‌های موقوفی شخصی را ثبت کرده تا پس از فرد سازنده، دولت، اداره آن مکان‌ها را برعهده گیرد. همچنین برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های اداری در نظام حکومتی، اداره نظارتی نیز تأسیس کرده بودند تا هرچه بیشتر مقابل دزدی‌های اجتماعی بگیرند و همین امر یکی از دلایل پیشرفت رفاه اجتماعی و صنعتی در کشورهای اروپایی شده بود. امری که در ایران تا آن دوران رعایت نشده بود (ر.ک: همان: ۵۳).

وجود «مفاسد اداری و قضایی» نیز از دیگر معضلات اجتماعی است که مردم ایران با آن دست به گریبان بودند. حاج سیاح در مورد عدم وجود نظارت صحیح بر خرید و فروش‌ها و نبود سیستم اقتصادی درست در کشور سخن گفته که هر فرد، مال و کالاهای خود را با هر قیمتی که می‌خواست، به مردم می‌فروخت (ر.ک: همان: ۶۷). نبود سیستم نظارتی صحیح سبب می‌شد تا دسترنج رعایا از آن‌ها گرفته شده و امید به زندگی و کار در میان مردم هر روز کاهش بیشتری می‌یافت (ر.ک: همان: ۱۱۹). او به دو دستگی میان دولت و ملت اشاره کرده که طبقه حاکمیت را هر روز ثروتمندتر و طبقه رعیت و عوام را هر روز فقیرتر می‌کرد. ثروت و سرمایه جامعه تنها در دست افراد معدودی بوده که وارد دستگاه حکومتی شده و به هر طریقی هزینه‌های خود و دولت را از مردم دریافت می‌کردند (ر.ک: همان: ۲۸۳).

نقطه مقابل دیدگاه حاج سیاح در مورد معضلات و مشکلات مردم، دیدگاه حاج پیرزاده است. حاج سیاح، دولتمردان و طبقه ثروتمند جامعه را عامل فقر، کمبود مواد غذایی و سختی‌های زندگی عامه مردم می‌داند در صورتی که پیرزاده، رعیت و مردم را مسئول این وضعیت دانسته و معتقد است که مردم و به خصوص روستائینی که بر روی زمین‌های

مالکان کار می‌کنند به دلیل تنبلی و بی‌مسئولیتی، به میزان کافی کار نکرده و همچنین از دستاوردهایی که به عمل می‌آوردند، دزدی کرده و آن‌ها را از مالکان خود پنهان می‌کنند. به همین دلیل هر دو طرف ضرر می‌کنند. این دیدگاه، نوعی بینش درباری را نشان می‌دهد که با وجود سیاح بودن حاجی پیرزاده، چشم او بر حقایق موجود در جامعه بسته بوده، و اوضاع را با توجه به آنچه از مالکان و ثروتمندان می‌بیند و می‌شنود، تفسیر می‌کند. در بخشی از سفرنامه او، راوی به گونه‌ای از شرایط رعیت و اربابان سخن گفته که گویی این اربابان هستند که از دست رعیت در عذاب و رنج هستند و مردم عامی، همگی تبل، دزد و سواستفاده‌گر هستند. این امر با وجود شواهد تاریخی از وضعیت ایرانیان در دوران قاجار در تناقض است (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲، ج ۱: ۵۷).

خفقان اجتماعی

یکی از ترفندهای دولت اتریش که کشوری پادشاهی بوده، جلوگیری از ورود کتاب‌ها و روزنامه‌های سایر دولت‌ها است. فتاح در سفرنامه خود این امر را به دلیل ترس حکومت از شورش‌های مردمی و روشن شدن اذهان عمومی نسبت به مقولاتی چون آزادی اجتماعی دانسته است (ر.ک: میرزا فتاح‌خان، ۱۳۴۷: ۷۸۸). در مقابل نکته‌ای که حاج سیاح در مورد کشورهای اروپایی بیان می‌کند، اشاره به آزادی‌های مطبوعات است. در این کشورها، علاوه بر سیستم نظارتی بسیار قوی بر امور اداری، اقتصادی و سیاسی، روزنامه‌ها و نویسندگان نیز خود حق صحبت آزادانه در مورد مسائل را داشته و در مواقع لزوم اجازه افشاگری اجتماعی را می‌یافتند. امری که در ایران در نظر سیاح وجود نداشته و به واسطه همین، شرایط دزدی‌های مختلف در ایران بسیار زیاد بود زیرا خفقان موجود و جهت‌گیری‌های درباری روزنامه‌نگاران و نویسندگان خود عاملی در افشا نشدن اسرار دولتی و اجتماعی در میان عوام مردم بود (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۵۳). نبود روزنامه و نبود افرادی که بدون تملق و چاپلوسی اتفاقات ناخوشایند مملکت را به گوش صاحبان قدرت برساند، همه از عواملی است که سبب وجود خفقان و گستردگی ناتوانی مردم در برابر ظلم حاکمان شده بود. حاج سیاح، روزنامه را وسیله‌ای برای افشاگری و بالا بردن قدرت درک و روشنفکری مردم یک جامعه قلمداد کرده است (ر.ک: همان: ۲۰۱).

حاج سیاح خود یکی از اشخاصی بود که پس از درگیری‌های قیام تنباکو به دستور ناصرالدین شاه به زندان افتاده و از او بازپرسی می‌شد تا عاملان نوشتن شب‌نامه‌ها و روزنامه قانون را افشا کند (ر.ک: همان: ۳۴۹).

مهاجرت

مهم‌ترین نتیجه معضلات اجتماعی در هر جامعه‌ای مهاجرت مردم به سرزمین‌های دیگر است. مردمی که در زندگی خود دارای رفاه و حقوق انسانی نیستند، سرانجام زمانی که خود را در برابر صاحبان قدرت ناتوان می‌بینند، به مهاجرت دست می‌زنند و در ازای کار کردن سخت، حقوق انسانی خود را از کشورهای دیگر طلب می‌کنند. حاج سیاح در سفری که به «اوزون آطه» داشته، شاهد بیگاری و زندگی اسفبار مهاجران ایرانی بود (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۳۱۵). پیرزاده، در سفر خود به کشورهای مختلف، با ایرانیان بسیاری مواجه می‌شود که به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی، تحصیلی، درمان و ... از کشور خارج شده و به کشورهای اطراف و اروپا مهاجرت کرده بودند (ر.ک: حاجی پیرزاده، ۱۳۴۳، ج ۲: ۷۰).

دلیل دیگر مهاجرت، جنگ است. زمانی که دو کشور با هم درگیر می‌شوند، مردم با توجه به مسائل مذهبی، قومی و جغرافیایی دستخوش ناملایمات مختلف اجتماعی می‌شوند از این رو در بسیاری از این موارد، مهاجرت مردم گسترش یافته و وضعیت نابسامان زندگی برای آن‌ها سخت‌تر از پیش می‌شود. جنگ میان عثمانی و رومانی، سبب پدید آمدن مهاجرت‌های بیشماری از کشور رومانی به عثمانی شد (ر.ک: همان: ۹۹-۱۰۰).

طبقات اجتماعی

حاج سیاح جامعه ایران در دوران قاجار را به دو دسته تقسیم کرده: گروه اول که شامل صاحبان قدرت است و زیرمجموعه آن شاه، درباریان، خدمتکاران امرا، خان‌ها و همچنین مجتهدین مذهبی هستند که تمام هزینه‌های خود را از مردم دریافت می‌کنند و تمام حقوق انسانی را برای خود قائل هستند و دسته دوم، رعایا و مردم عوام هستند که به این دسته‌بندی رضایت داده و وجود خود را تنها به دلیل تأمین نیازهای قدرتمندان می‌دانند و بر این باورند که در زندگی اجتماعی، حق خواستن نیازهای اولیه و حقوق انسانی را هم ندارند (ر.ک: محلاتی، ۲۵۲۶: ۲۶۲).

نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شده تا با بررسی چهار سفرنامه دوره قاجار، مسائل و زیرساخت‌های مهم اجتماعی مورد بازشناسی و تحلیل قرار گیرد. نتایج حاصل نشان داد که سفرنامه‌نویسان دو رویکرد ارائه کرده‌اند: نخست مطرح کردن زیرساخت‌ها و مسائل مرتبط با اجتماع و دیگری برشمردن معضلات اجتماعی. در میان سفرنامه‌های بررسی شده، بیشترین توجه را به مسائل اجتماعی و زیرساخت‌های مهم، حاج سیاح و حاجی پیرزاده داشته‌اند که در این میان، پیرزاده بیشتر بر آنچه در کشورهای دیگر (کشورهای اروپایی) دیده تأکید داشته اما مشاهدات ذکر شده در سفرنامه حاج سیاح بیشتر در مورد مسائل اجتماعی داخل ایران است. در بخش «آموزش»، دو مبحث «سوادآموزی و سیستم آموزشی» بررسی شده‌اند. در ایران دوره قاجار، تنها اقشار خاصی توانایی تحصیل داشتند. در مقابل اروپاییان سوادآموزی را برای همه طبقات اجتماع واجب دانسته و سیستم آموزشی مبتنی بر تنبیه و پاداش بوده است. حقوق پایین معلمان، عدم جایگاه مهم و احترام برای سمت معلمی، سیستم آموزشی مبتنی بر تنبیه، تدریس مطالب قدیمی و علوم باستانی، عدم نظارت بر روند علم‌آموزی دانش‌آموزان و ایجاد زمینه سودجویی طلاب از نواقص سیستم آموزشی در دوران قاجار است. در مورد «بهداشت شهری» بسیاری از شهرهای ایران، از «آب شهری و سیستم فاضلاب» مناسب محروم بودند؛ در همین دوران در کشورهای اروپایی، سیستم تصفیه آب و لوله‌کشی شهری وجود داشت. عدم آموزش طبیبان با علم روز طب، رایج بودن طبابت سنتی در ایران، نبود امکانات و تجهیزات طبابت در بیمارستان‌ها، درمان توسط عطاری‌ها، پایبند بودن به اندیشه‌های خرافی، عدم کمک دولت به بخش خصوصی و ... زمینه‌های عدم وجود درمان مناسب در ایران را فراهم ساخته بود. در همین دوران است که در کشورهای اروپایی بیمارستان‌هایی برای موارد خاص چون زنان و اطفال تأسیس شده بود. «سیستم حمل و نقل» در اروپا کاملاً پیشرفته‌تر از ایران بوده و با چاپارخانه‌هایی از مسیرهای جاده‌ای بین شهری محافظت و ارتباط بین شهرهای را برقرار می‌کردند. در بخش «مکان‌های اجتماعی» مواردی که دارای اهمیت بوده استخراج گشته‌اند. در مورد کاروانسراهای ایران، مبتنی بر شواهد می‌توان بیان کرد در دوران غزنویان و سلجوقیان کاروانسراها یکی از

مهم‌ترین مراکز اجتماع مردم و ارتباط بین شهری بود. رونق کاروانسراها در ایران، زمانی که به دوران قاجار می‌رسیم، کاسته شده و حتی رو به نابودی می‌نهد. در مورد سایر «مکان‌های اجتماعی»، هر چه از دوره غزنوی به سمت قاجار طی می‌شود، مکان‌های اجتماعی جنبه رفاهی بیشتری یافته‌اند. این امر به خصوص در کشورهای اروپایی نیز مشاهده می‌شود که بر جنبه تفریحی بودن مکان‌ها افزوده شده بود. در دوران قاجار، «سیستم قضاوتی» مناسبی وجود نداشته و نظام قضایی در آن دوران این‌گونه توصیف شده است: ۱- عدم سیستم نظارتی بر عملکرد قاضیان ۲- شخصی‌سازی دیوان قضایی و سودجویی از مردم ۳- وجود فساد مالی در ساختار قضایی ۴- انتخاب افراد ناشایست برای قضاوت ۵- مشخص نبودن قاضیان و نداشتن سمت رسمی قضاوت. بسیاری از بافت‌های اجتماعی در ایران مبتنی بر نظامی فرهنگی و اندیشه‌ای باستانی بوده و نسبت به کشورهای توسعه یافته سنتی‌تر و بسته‌تر هستند. تناقض میان جایگاه اجتماعی زنان در ایران و کشورهای اروپایی، عدم رفاه و معضلات اجتماعی، نشاط اجتماعی و ... از جمله موارد تفاوت «بافت‌های اجتماعی» ایران با کشورهای اروپایی در دوران قاجار است. همچنین مواردی چون خفقان اجتماعی، دلایل مهاجرت و وضعیت مهاجران و وجود طبقات اجتماعی در ساختار جامعه نیز از جمله مسائل فرهنگی و اجتماعی است که در هر دوره از تاریخ برای اجتماعات مختلف روی داده و از جمله معضلات فرهنگی بوده که ایران در دوران قاجار به آن مبتلا بوده است. مقایسه مشاهدات سیاحان در مورد مسائل اجتماعی در داخل و خارج از ایران، نشان می‌دهد که در دوران قاجار به دلایل گوناگونی زیرساخت‌های اجتماعی در حد بسیار نامطلوبی بوده و سیستم نظارتی و حمایتی بر روند عملکرد بخش‌های مختلف اجتماع وجود نداشت. همین امر، منجر به پدید آمدن عدم نارضایتی از حکومت، عدم رفاه اجتماعی، شکستی در ساختارهای طبقاتی جامعه، افزایش مهاجرت و ... گردیده بود.

منابع:

کتاب‌ها

اعتمادالسلطنه (۱۳۷۹) سفرنامه حاج علیخان اعتمادالسلطنه، به کوشش سید علی قاضی

عسکر، تهران: مشعر.

پورا احمد جکتاجی، محمد تقی (۱۳۵۵) فهرست توصیفی سفرنامه‌های انگلیسی موجود در کتابخانه ملی ایران، تهران: کتابخانه ملی ایران.

پیرزاده نائینی، محمدعلی (۱۳۴۲-۱۳۴۳) سفرنامه حاجی پیرزاده، از تهران تا لندن، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، ۲ جلد، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.

پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۲) آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

حکیمی، محمود (۱۳۸۳) همراه با سیاحان و جهانگردان و مسافران تاریخ، جلد ۱، تهران: آرون.

دانش پژوه، منوچهر (۱۳۸۰) سفرنامه؛ تا پخته شود خامی، جلد اول و دوم، تهران: نشر ثالث. رضائی، امیرمسعود (۱۳۸۹) ایران در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، تهران: پیمان. رضوانیان، قدسیه (۱۳۸۸) از سرگذشت نویسی به داستان نویسی، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران.

فتاح‌خان گرمودی (۱۳۴۷) سفرنامه میرزا فتاح خان گرمودی به اروپا در زمان محمدشاه قاجار، شامل سه رساله چهار فصل، شب نامه و سفرنامه ممسنی، به کوشش فتح‌الدین فتاحی، تهران: چاپخانه بانک بازرگانی.

محللاتی، میرزا محمد علی (حاج سیاح) (۲۵۲۶ ش) خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.

مقالات

بارانی، محمدرضا (۱۳۸۳) معرفی و نقد سفرنامه ابن فضلان، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۱، صص ۷-۳۴.

عزت‌پور، عدالت (۱۳۹۱) معرفی و نقد سفرنامه ابن فضلان، ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۷۰، صص ۱۰۹-۱۱۵.

میرزایی، حسن؛ پروین، امیر (۱۳۸۹) نمایش دیگری: جایگاه غرب در سفرنامه‌های دوره ظهور مشروطیت، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۹، صص ۷۷-۱۰۵.

- منفرد، افسانه (۱۳۸۹) **حمام: فرهنگ و معماری**، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۴، تهران: دائره المعارف بزرگ اسلامی، صص ۱۰۶-۱۲۰.
- همایون، محمدهادی (۱۳۸۷) **سیمای جهانگردی در فرهنگ اسلامی**، مجله نامه پژوهش فرهنگی، زمستان، شماره ۱۴، صص ۱۷۹-۲۰۸.

References:

Books

- Etemad-ol-Saltaneh (2000) **Travelogue of Haj Ali Khan Etemad Al-Saltanah**, by Seyyed Ali Ghazi Askar, Tehran: Moshar.
- Poorahmad Jaktaji, Mohammad Taghi (1976) **Descriptive Index of English Travelogues in the National Library of Iran**, Tehran: National Library of Iran.
- Pirzadeh Naeini, Mohammad Ali (1963-1964) **Haji Pirzadeh's travelogue, from Tehran to London**, by Hafez Farmanfarmaeian, 2 volumes, Tehran: University of Tehran Press.
- Pirnia, Mohammad Karim (1993) **Introduction to Islamic architecture in Iran**, edited by Gholamhossein Memarian, Tehran: Iran University of Science and Technology.
- Hakimi, Mahmoud (2004) **Together with tourists**, tourists and history travelers, Volume 1, Tehran: Arun.
- Daneshpajoo, Manouchehr (2001) **Travelogue; To be cooked raw**, first and second volumes, Tehran: Third Edition.
- Rezaei, Amir Massoud (2010) **Iran during the reign of Nasser al-Din Shah Qajar**, Tehran: Peyman.
- Rezvanian, Ghodsieh (2009) **From story writing to story writing**, Babolsar: Mazandaran University Press.
- Fattah Khan Garmroudi (1968) **Mirza Fattah Khan Garmroudi's travelogue to Europe during the reign of Mohammad Shah Qajar, including three four-chapter treatises, Shabnameh and Mamasani travelogue**, by Fathuddin Fattahi, Tehran: Bazargani Bank Press.
- Mahallati, Mirza Mohammad Ali (Haj Sayyah) (2526) **Memoirs of Haj Sayyah or the period of fear and terror**, by Hamid Sayyah, edited by Saifullah Golkar, Tehran: Amirkabir, second edition.

Articles

- Barani, Mohammad Reza (2004) **Introduction and Critique of Ibn Fazlan's Travelogue**, History of Islam in the Mirror of Research, No. Pp.1, 7-34.
- Ezzatpour, Adalat (2012) **Introduction and Critique of Ibn Fazlan's Travelogue**, Month of History and Geography, No. 170, Pp.109-115.

Mirzaei, Hassan; Parvin, Amir (2010) **Another Show: The Place of the West in the Travelogues of the Rise of Constitutionalism**, Cultural Research Quarterly, Volume 3, Number 9, Pp. 77-105.

Monfared, Afsaneh (2010) **Bath: Culture and Architecture**, **Encyclopedia of the Islamic World**, Volume 14, Tehran: The Great Islamic Encyclopedia, Pp.106-120.

Homayoun, Mohammad Hadi (2008) **Tourism in Islamic Culture**, Journal of Cultural Research, Winter, No. 14, Pp.179 - 208.

Reflection of Social Issues in Logbooks of the Qajar Period

Sedigheh Pourkhosh Saadat¹, Dr. Ali Mohammad Moazeni², Dr. Thoraleh Norouzi Davoodkhani³

Abstract

Logbook is a useful tool which provides relevant information to know various aspects of the history and culture of the people of an area. In the present research, four logbooks of “Mirza Fattah Khan, Haj Sayyah, Haji Pirzadeh and Etemad-ol-Saltaneh” have been selected from the Qajar period. This study aims to examine the social issues and basic infrastructures in the structure of a society reflected in logbooks; Thus, this research uses a descriptive-analytical method to answer the question of what social issues are reflected in the selected logbooks of the Qajar period. The results indicated that logbook writers had two approaches to social issues: first, to raise issues and infrastructures, and second, to enumerate social problems. In both sections, Haj Sayyah and Haji Pirzadeh paid the most attention to social issues. Pirzadeh emphasized more on what was going on in other countries, especially in Europe, but Haj Sayyah focused more on social issues and problems in Iran. With a critical language, he complained about the poor state of social infrastructures in Iran. Comparison of tourists’ observations on social issues shows that during the Qajar period, social infrastructures were very unfavorable, which is not comparable to the progress of European countries in the same period. This led to dissatisfaction with the government, lack of social welfare, class discrimination, increased immigration and other social problems in Iran.

Keywords: Logbook, Social Issues, Qajar, Mirza Fattah Khan Logbook, Haj Sayyah Logbook, Etemad-ol-Saltaneh Logbook and Haji Pirzadeh Logbook.

¹ . PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran. khoshsaadat.n@gmail.com

² . Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. (Responsible author) moazzeni@ut.ac.ir

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Ardabil, Iran. nourozi@gmail.com